

به نام خدا

برای طهارت حصیر و بوریا تا کنون به دو دسته روایات تمسک شد یکی روایت پنج وشش باب که قابل قبول بود و طایفه دوم روایات خاص در مورد بوریا بود که دلالتشان را قبول نکردیم. و اگر گفتیم که حصیر غیر از بوریا است یا احراز اتحاد نکردیم باز در مورد حصیر هم مشکل پیدا می کنیم اگر از این ادله بخواهیم استفاده کنیم.

دو تقریر شیخ استاد در مورد این روایات را فردا عرض می کنیم که طلبتان باشد

دلیل سوم: خلاف ج 1 ص 495

اجماعی است که شیخ طوسی در خلاف ادعای آن کرده است: ... لم یطهر و کذلک الحکم فی البواری و الحصر سواء... دلیلنا اجماع الفرقه

بنابراین اولین دلیلی که شیخ به آن استناد می کند دلیل اجماع است

این اجماع همان اشکالات معروف را دارد زیرا بعد خود شیخ فرموده است که روی عمار و روی ... که این اجماع مدرکی است و شاید مدرک این مجمعی همین روایات بوده است

الا بنابر مبنای آقای زنجانی که ایشان قبول ندارند که اجماع مدرکی حجت نیست که ایشان دلیلش را بیان نکردند که ما یک وجهی ساختیم که بعدها بعضی از دوستان فرمودند که آن چه ایشان بیان کردند همین مطلبی که ما ساختیم

مطلب این است که یا باید اجماع را اصلا قبول نکرد حتی محصل را یا اگر قبول کردیم این محتمل المدرک مضر نیست. زیرا اجماع فقهاء با توجه به این که به غیر دلیل فتوا نمی دهند به دلیل عدالت و ورع آنها پس کشف می کنیم که در مسئله لابد یک دلیلی وجود داشته است که آن دلیل به دست ما نرسیده است و این که بخواهیم بگوییم که شاید همه آنها در این دلیل اشتباه کرده اند جواب می دهیم که به حسب احتمالات از این جهت که ایشان هم با تقوا هستند و هم دقیق و هم مسئله خیلی غامض نیست می فهمیم که اینها همه اشتباه نکرده اند. بنابراین از اتفاق آنها جزم پیدا می کنیم که یک دلیل معتبر دال وجود داشته است که به دست ما نرسیده است. (البته محقق اصفهانی این جا تعلیقه ای دارند که این که بگوییم یک دلیلی بوده است که همه به آن استناد کرده اند و همه این دلیل را مخفی کرده اند و آن را نگفته اند را هم نمی توان قائل شد ولی شهید صدر یک احتمالی را ابداع کرده اند که این دلیل یک دلیل روایی نبوده است بلکه یک دلیل غیر نوشتاری بوده است مثل اینکه جو حاکم بر متشرعین مطلبی بوده است. مثل الان بسیاری از مسائل انقلاب که کسانی که از اول در انقلاب بوده اند می دانند که نظر امام چه چیزی بوده است اما جایی نوشته نشده است. حال در آن زمان مثلا مردم می دیدند که تا بلال اذان می گوید پیامبر نماز را شروع می کند پس فتوا می دهند که اذان مؤذن اماره شرعیه است و همه این را می دانستند طبق عمل معصومین اما این مطلب جایی نوشته نشده است فلذا نقل نشده است.)

حال فرمایش آقای زنجانی این است که شما می گوید در اجماع محصل ما می فهمیم که مدرکی وجود داشته و فقهاء به آن استناد کرده اند حال ایشان می فرمایند در جایی که

اجماعی وجود دارد که چند روایت هم در کنارش هست باز آن دلیل می آید. و آن اینکه همه فقهاء فتوا داده اند که این فتوایشان مطمئنا بلا دلیل نبوده است و اگر مبنایشان همین ادله بوده است نمی شود که همه اشتباه کرده اند و باید خودمان را تخطئه کنیم که شاید ما اشتباه کرده ایم و اگر قرار باشد همه این فقهاء در این ادله اشتباه کرده اند همین احتمال در جایی که ما دلیلشان را نمی دانیم هم وجود دارد و ممکن است همگی در آن دلیل هم اشتباه کرده باشند و اگر غیر از این ادله مستند ایشان بوده است باز همان حرفها می آید.

اشکال:

اجماعات مرحوم شیخ در خلاف را شاید بتوان گفت که بر اساس دیگری بوده است و آن اینکه در واقع این اجماعات ایشان جدلی است در مقابل اهل سنت که مبنایشان بر اساس اشتباهی است و شاهدش این است که در کتابهای دیگر گاهی خودشان برخلاف این اجماعی که خودشان در خلاف ادعا کرده اند فتوا داده اند. البته پذیرش این حرف سنگین است اما تتبع در فتوای ایشان این مطلب را نشان می دهد

دلیل چهارم: استصحاب

این استصحاب تعلیقی است به این بیان که حصیر و بوریا از قصب یا از بردی یا گیاه دیگری ساخته می شود. و این گیاهان قبل از حصیر شدنشان از اجزاء غیر منقول بوده اند و اینها وقتی گیاه بودند اگر متنجس می شدند با خورشید پاک می شدند حال که حصیر شده اند شک داریم که آیا با خورشید پاک می شود یا نه استصحاب می کنیم طهارتش با خورشید را که این یک استصحاب تعلیقی است.

اگر این ثابت شود یک باب بزرگی برای ما باز می شود که در خیلی موارد می آید مثل چیزهایی مثل کوزه و ...

چهار اشکال به این استصحاب شده است.

وصلی الله علی محمد و آل محمد.